



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع رضایت (خشنودی) خداوند در قرآن

{ رضوان الهی فوز عظیم }

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی





@fosselat

فهرست

*

اول: سه فضیلت برای پیراون رضوان الهی

دوم: اهمیت و جایگاه رضایت (خشنودی) خداوند

سوم: چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟

چهارم: مرضیان عندالله { خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

پنجم: خداوند از چه کسانی خشمگین و ناراضی می باشد؟

ششم: مقام و رضوان اکبر در بهشت

هفتم: زندگی رضایت بخش نیکوکاران در بهشت

هشتم: بهشت محلی که مومنان از آن راضی خواهند بود



@fosselat

سه فضیلت برای پیروان رضوان الهی

اول

الف) هدایت (به وسیله قرآن و پیامبر) به راه های سلام

ب) اخراج از ظلمات به نور

ج) هدایت به سوی صراط مستقیم

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾

خداوند به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که خواهان خشنودی او هستند به راه های سلامت هدایت می کند، و آنان را به خواست خود از تاریکی ها [بی چون؛ جهل، کفر، شرک و تکبر] به سوی نور [معرفت، ایمان، اخلاق و عمل صالح] می برد، و به راه راست هدایتشان می کند «16»



@fosselat

دوم

اهمیت و جایگاه رضایت (خشنودی) خداوند

الف) آگاهی از غیب و جایگاه رضایت و خشنودی خداوند { برگزیدگان برای اطلاع از اسرار الهی }

ب) رضایت الهی و شرط شفاعت { شفاعت امری حساب شده }

ج) رضای الهی از صفات انبیاء (ع)

د) نقش رضایت الهی در امور فرهنگی { جایگاه نیت انسان در ساخت مسجد }

ه) توجه به خشنودی خداوند در کارهای خیر { ممنوعیت سخنان درگوشی و موارد جواز آن }

اهمیت و جایگاه رضایت (خشنودی) خداوند

الف آگاهی از غیب و جایگاه رضایت و خشنودی خداوند
{برگزیدگان برای اطلاع از اسرار الهی}

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ
مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾

او دانای غیب است و احدی را بر غیب خود آگاه نمی کند «26» مگر رسولانی را که [برای فراگرفتن غیب] پسندیده است، پس نگهبانانی [از فرشتگان برای حفاظت وحی، این دانش ویژه غیبی از دستبرد نامحرمان] پیش رو و پشت سرشان می گمارد «27»

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

آن روز شفاعت سودی ندهد، مگر [شفاعت] کسی که خداوند رحمان به او اجازه دهد، و گفتارش را [در مورد شفاعت] بپسندد «109»

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

[خداوند] همه گذشته و آینده آنان را می داند، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی کنند، و به خاطر ترس از [عظمت و جلال] او نگران و هراسناکند «28»

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ﴿٢٦﴾

چه بسیار فرشتگانی در عوالم بالا که شفاعتشان هیچ سودی نمی بخشد مگر پس از آن که خداوند برای هر که بخواهد و بپسندد اجازه دهد «26»

اهمیت و جایگاه رضایت (خشنودی) خداوند

ج رضای الهی از صفات انبیاء (ع)

۱ دعای سلیمان (ع) { درخواست عمل صالحی که مرضی الهی باشد }

فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

سلیمان از گفته مورچه تبسم کنان خنده اش گرفت، و [به سبب نعمت فهم نطق حیوانات] گفت: پروردگارا! [کیفیت و روش شکرگزاری به پیشگاهت را] به من الهام کن! تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم عطا کرده ای به جای آورم، و کار شایسته ای که آن را بپسندی انجام دهم، و مرا به رحمت در زمره بندگان درست کارت وارد کن! «19»

۲ دعای زکریا (ع) { درخواست فرزند مورد پسندیده الهی }

يُرِثْنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾

که وارث من و خاندان یعقوب باشد، و او را ای پروردگارم! مورد رضایت [خود] قرار ده! «6»

۳ اسماعیل (ع) و صفات برجسته او

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

و در این کتاب [که به تو وحی کردیم، سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که وفاکننده به عهد، و فرستاده ای دارای مقام نبوت بود «54» همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد، و نزد پروردگارش مورد رضایت بود «55»

اهمیت و جایگاه رضایت (خشنودی) خداوند

@fosselat

د نقش رضایت الهی در امور فرهنگی
{ جایگاه نیت انسان در ساخت مسجد }

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ

أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾

آیا کسی که بنای [کار]ش را بر پایه مستحکم تقوا و رضای الهی نهاده بهتر است، یا کسی که بنای [کار]ش را بر لب سراشیبی تند نهاده که [زیرش] سست و فروریختنی است، و بنا و بناکننده اش در دوزخ سقوط کرده؟ خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی کند «109»

اهمیت و جایگاه رضایت (خشنودی) خداوند

توجه به خشنودی خداوند در کارهای خیر
{ ممنوعیت سخنان در گوشه و موارد جواز آن }

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ
أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾

در بسیاری از رازگویی های آنان خیری نیست، جز کسی که [از طریق رازگویی] به صدقه یا کار نیک یا اصلاح بین مردم فرمان دهد، و هر که برای طلب خشنودی خداوند چنین کند به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد «114»



@fosselat

سوم

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟ [ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

الف) متقین (خودنگه داران از گناه)

ب) ابرار و بندگان الهی

ج) تاجران جان با خداوند { فداکاری در راه خدا }

د) یاران حقیقی پیامبر (ص)

ه) مهاجران راستین

و) انفاق کننده گان حقیقی { آثار و فواید بخششهای خالصانه }

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟
[ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

الف متقین (خودنگه داران از گناه)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَمَا
لَأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ
الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

البته به زودی باتقواترین [مردم] را از آن دور می دارند» 17» همان که از ثروتش انفاق می کند، و خواهان پاکی [و رشد نفس] است» 18» برای احدی نزد خداوند [حق] نعمتی نیست که [بابت مالی که انفاق کرده] پاداشش دهند» 19» [تقوای پیشه مخلص] جز برای به دست آوردن خشنودی پروردگار بلندمرتبه اش [انفاق نمی کند]» 20» او در آینده [با به دست آوردن رحمت و پاداش بی نهایت خداوند] خشنود خواهد شد» 21»

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟
[ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

ب ابرار و بندگان الهی

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا
نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا
شُكْرًا ﴿٩﴾

و طعام را با این که [جهت نیاز خود] دوست دارند به بیچاره و یتیم و اسیر می خوراند، «8» [و می گویند: ما شما را فقط برای خشنودی خداوند اطعام می کنیم، نه هیچ پاداشی از شما می خواهیم، و نه سپاسی «9»]

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟
[ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

ج تاجران جان با خداوند { فداکاری در راه خدا }

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ
مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

و از مردم کسی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] است که جانش را برای به دست آوردن خشنودی خدا می
فروشد، و خداوند به بندگان بسیار مهربان است «207»

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟ [ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

د یاران حقیقی پیامبر (ص)

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا
سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ
ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ
فَأَسْتَفْظَلَ فَاَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرْعَ لِيَفِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد [صلی الله علیه و آله] فرستاده خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سرسخت [و سازش ناپذیر]، و در بین خودشان [بایکدیگر] مهربانند، آنان را راکع و ساجد می بینی، پیوسته خواهان احسان و خشنودی خدایند، نشانه [روحیه عبادت و بندگی] آنان در چهره هایشان از اثر سجده پیداست، این است وصفشان در تورات، اما وصفشان در انجیل [این است که: وجودشان] چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده، پس تقویتش کرده تاجایی که پابرجا و استوار گشته، و بر ساقه های خود ایستاده اند، [به گونه ای که] کشاورزان را [از رشد و انبوهی خود] به شگفتی می اندازد، [خداوند مؤمنان را به این صورت تقویت می کند] تا به وسیله آنان کافران را به خشم اندازد، خداوند به آنان که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند وعده آموزش و پاداشی بزرگ داده است «29»

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟
[ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

مهاجران راستین

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ
وَأَمْوَالِهِمْ يُبْتَغُونَ فُضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾

[از اموال بازگردانده شده به پیامبر، سهمی] برای مهاجران [نیازمندی] است که از خانه ها و اموالشان بیرونشان انداختند، و [اکنون] در طلب رزق خدا و خشنودی اویند، و [در عین سختی و تنگدستی،] خدا و پیامبرش را یاری می کنند، اینان [در ادعای ایمان] راست گویند، «8»

چه کسانی به دنبال به دست آوردن رضایت الهی هستند؟ [ابتغاء مرضات الله - وجه الله]

9 انفاق کننده گان حقیقی { آثار و فواید بخششهای خالصانه }

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ
أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ
فَإِنْ لَمْ يَصِبْهَا أَهْلُهَا فَلَهَا وَلِلَّهِ الْغَنَاءُ وَالْكَثْرُ ﴿٢٦٥﴾

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خداوند، و استواری نفوسشان [بر انفاق و اخلاص و خشنودی حق] انفاق می کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی درشت قطره به آن برسد و دوچندان محصول دهد، و اگر باران درشت قطره ای به آن نرسد، باران ریز قطره می رسد [که برای شادابی بوستان و محصول دادنش کافی است]، خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست «265»



@fosselat

چهارم

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

الف) صادقان (راستگویان)

ب) سابقان (پیشگامان) اسلام

ج) خیرالبریة (بهترین انسان ها)

د) حزب الله { مومنان با دشمنان دین دوستی نمی کنند }

ه) مومنان بیعت کننده با پیامبر (ص)

و) نفس مطمئنه (آرامش یافته)

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

@fosselat

الف صادقان (راستگویان)

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾

خداوند [در عرصه گاه قیامت] می گوید: این روزی است که صدق صادقان سودشان دهد، برای آنان بهشت هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، همواره در آن جاودانه اند، خداوند از آنان خشنود، و آنان هم از خداوند خشنودند، این [خشنودی طرفینی] رستگاری بزرگ است «119»

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

ب سابقان (پیشگامان) اسلام

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
 بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾

خداوند از همه پیشگامان نخستین، از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی و درستی از آنان پیروی کردند خشنود است، و آنان هم از خداوند خشنودند، برای ایشان بهشت هایی آماده کرده که [از] زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جا همواره جاودانه اند، این است کامیابی بزرگ! «100»

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

ج خیرالبریه (بهترین انسان ها)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

بی تردید کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده اند بهترین مخلوقاتند» 7» پاداششان نزد پروردگارشان بهشت های پاینده ای است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن همواره جاودانه اند، خداوند از آنان خشنود است، آنان هم از خداوند خشنودند، این [پاداش] ویژه کسی است که از پروردگارش هراسان است» 8»

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

د حزب الله { مومنان با دشمنان دین دوستی نمی کنند }

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا
 آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ
 بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

هیچ قومی را که از ایمان [ریشه داری] به خدا و روز قیامت برخوردار باشند نمی یابی که با دشمنان خدا و پیامبرش دوستی ورزند؛ گرچه آنان پدرانشان یا فرزندانانشان یا برادرانشان یا خویشانانشان باشند، اینانند که [خدا] ایمان را در دل هایشان پایدار کرده، و از جانب خود با حیاتی [معنوی] نیرومندشان ساخته، آنان را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است وارد می کند که در آن ها جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است آنان هم از خدا خشنودند، اینان حزب خدایند، آگاه باشید! که فقط حزب خدا [بر همه موانع راه سعادت] پیروزند» 22»

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

@fosselat

۹ مومنان بیعت کننده با پیامبر (ص)

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ
 تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ
 السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾

منبع

فتح 18

به راستی خداوند از مؤمنان زمانی که زیر آن درخت [در منطقه حُدیبیه] با تو بیعت کردند خشنود شد، خداوند آنچه [از پاکی و خلوص نیت] در دل هایشان بود می دانست، پس آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی خیر بود] پاداششان داد» 18»

مرضیان عندالله

{ خداوند از چه کسانی خشنود می باشد؟ }

9 نفس مطمئنّه (آرامش یافته)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ
 رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾
 وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

[آن گاه خداوند به بندگان باایمانش خطاب می کند، ای روح آرام یافته! «27» به سوی پروردگارت بازگرد! درحالی که [تواز او] خشنودی و [او هم از تو] خشنود است «28» پس در بین بندگان راستینم در آی! «29» و در بهشت ویژه ام وارد شو! «30»]



@fosselat

پنجم

خداوند از چه کسانی خشمگین و ناراضی می باشد؟

الف) فاسقان (نا فرمان برداران)

{ سوگند منافقان برای جلب رضایت مومنان }

ب) منافقان به دنبال خشم و نارضایتی خداوند

{ عاقبت منافقان (دورویان) }

۱- شایسته ترین است که خدا و رسولش را راضی کنند { گفتار و رفتار منافقان با مومنان }

۲- منافقان به دنبال خشم و نارضایتی خداوند { عاقبت منافقان (دورویان) }

خداوند از چه کسانی خشمگین و ناراضی می باشد؟

@fosselat

الف فاسقان (نافرمانداران) { سوگند منافقان برای جلب رضایت مومنان }

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ
بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨﴾ يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا
عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٦﴾

چگونه [می توان به پیمان آنان اعتماد کرد]؟ در صورتی که اگر بر شما چیره شوند نه [پیوند] خویشی را در حق شما رعایت می کنند، و نه پیمانی [دیگر] را، شما را با زبانشان خشنود می کنند، ولی دل هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد، بیشترشان منحرف و نافرمانند «8» سوگندی که برای شما می خورند برای این است که از آنان راضی شوید، اگر شما از آنان راضی شوید مسلماً خداوند از مردم منحرف نافرمان راضی نمی شود «96»

خداوند از چه کسانی خشمگین و ناراضی می باشد؟

ب منافقان

۱ شایسته تر این است که خدا و رسولش را راضی کنند { گفتار و رفتار منافقان با مومنان }

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ
أَحَقُّ أَنْ يَرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

آنان برای شما [به دلیل معذور نشان دادن خود به سبب خلاف کاری هایشان] به خداوند سوگند می خورند تا شما را خشنود سازند، در صورتی که اگر مؤمن بودند شایسته تر این است که خدا و رسولش را خشنود کنند «62»

خداوند از چه کسانی خشمگین و ناراضی می باشد؟

ب منافقان

۲ منافقان به دنبال خشم و نارضایتی خداوند { عاقبت منافقان (دو رویان) }

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ

وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾

پس [حال و وضعیتشان] آن زمان که فرشتگان جانشان را می گیرند، [آن هم] در حالی که بر صورت و پشتشان [تازبانۀ عذاب] می زنند چگونه خواهد بود؟! «27» این [عذاب] برای آن است که آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کردند، و خشنودی او را خوش نداشتند، در نتیجه اعمالشان را تباه و بی اثر کرد «28»



@fosselat

ششم

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

الف) رضوان الهی بهتر از دنیا

- ۱- رضوان الهی بهتر از دنیا
- ۲- ترک دنیا و زهد برای رضای خدا

ب) رضوان الهی مختص

- ۱- متقین { لذتها و نعمتهای حقیقی }
- ۲- مجاهدان فی سبیل الله { غزوه حمراء الاسد }
- ۳- رستگاران { مجاهدین و مهاجرین فی سبیل الله }
- ۴- مومنان راستین

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

@fosselat

الف رضوان الهی بهتر از دنیا

۱ زندگی دنیا و مراحل آن

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ
 وَتَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ
 فَتْرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ
 اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾

بدانید که زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی و آرایش و زینت، و فخر فروشی به یکدیگر و فزون طلبی در اموال و اولاد نیست، [چنین دنیایی که دارنده اش فاقد ارتباط با خدا و قیامت است] مانند بارانی است که محصول [سرسبز و خوش منظره] آن کشاورزان را شگفت زده کند، سپس خشک شود به گونه ای که آن را زرد رنگ ببینی، آن گاه [ریزریز و] خاشاک گردد! [چنین دنیایی برای بی دینان] عذاب سختی در آخرت است، و [برای مؤمنان] آموزش و رضایتی [از سوی خدا] است، زندگی دنیا [بدون ایمان] جز کالی فریبنده نیست «20»

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

@fosselat

الف رضوان الهی بهتر از دنیا

۲ ترک دنیا و زهد برای رضای خدا

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ
 وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا
 كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا
 الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾

آن گاه در پی ایشان رسولان خود را [بر پایه آیین توحیدی، یکی پس از دیگری] فرستادیم، و پس از آنان عیسی پسر مریم را [به رسالت] برانگیختیم و به او انجیل دادیم، و در دل کسانی که [بر اساس حقیقت و درستی] از او پیروی کردند مهرورزی و مهریانی نهادیم، و [البته] گوشه نشینی [و ترک دنیایی] که ابداع کردند ما بر آنان مقرر نکرده بودیم، نیتشان از ابداع آن تحصیل خشنودی خدا بود، ولی [حدود] آن را آن گونه که سزاوار بود رعایت نکردند، نهایتاً پاداش مؤمنان [واقعی] آنان را عطا کردیم، و بسیاری از آنان منحرف و نافرمانند» 27

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

ب رضوان الهی مختص

۱ متقین { لذتها و نعمتهاى حقيقى }

قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ دَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
 مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

بگو: آیا شما را به بهتر از این [کالهای از دست رفتنی] آگاه کنم؟ برای آنان که [در همه شئون زندگی از خداوند اطاعت کرده، و از محرّماتش پرهیز داشتند] بهشت هایی نزد پروردگارشان است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند، برای آنان همسرانی [از هر جهت] پاکیزه، و رضایتی [کامل] از سوی خداست، و خداوند به بندگانش بیناست «15»

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

ب رضوان الهی مختص

۲ مجاهدان فی سبیل الله { غزوه حمراء الاسد }

فَانْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لِّمَن
 يَّمْسَسُهُمْ سُوءًا وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو
 فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾

[آنان بدون توجه به سخنان منافقان و عوامل نفوذی در جنگ «حَمْرَاءُ الْأَسَدِ» شرکت کردند]، پس با نعمت و احسانی بزرگ از سوی خدا [از
 جبهه جنگ] بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، آنان خالصانه دنبال خشنودی خدا بودند؛ خداوند دارای احسانی بزرگ
 است» 174

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

ب رضوان الهی مختص

۳ رستگاران { مجاهدین و مهاجرین فی سبیل الله }

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً
عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ
وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾

آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند مقامشان در پیشگاه خداوند والتر است، و اینان کامیابند «20» پروردگارش آنان را از نزد خود به رحمتی ویژه و خشنودی و بهشت هایی که در آن ها نعمت های فراوان و ابدی است مژده می دهد «21» در آن جا همواره جاودانه اند، همانا خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست «22»

مقام و رضوان اکبر در بهشت { فوز عظیم }

ب رضوان الهی مختص

۴ مومنان راستین

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ
 وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

خداوند به مردان و زنان باایمان بهشت هایی را وعده قطعی داده که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در حالی که در آن جاودانه اند، و [برای آنان] در بهشت های جاویدان مسکن های دلپذیر [ی است]، و نیز رضایتی ویژه از سوی خداوند که [از همه آن نعمت ها] برتر است، این همان کامیابی بزرگ است! «72»

زندگی رضایت بخش نیکوکاران در بهشت

هفتم

@fosselat

زندگی رضایت بخش نیکوکاران در بهشت
-
{ فی عیشه الراضیه }

* زندگی رضایت بخش نیکوکاران در بهشت { فی عیسه الرّاضیه }

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَةَ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾

اما کسی که پرونده اش را به دست راستش دهند [از خوش حالی] فریاد می زند: ای مردم! پرونده ام را بگیرید و بخوانید «19» من یقین داشتم که با حسابرسی اعمالم روبه رو خواهم شد، [به این سبب اعمالم را هماهنگ با احکام خدا انجام دادم و بدی هایم را اصلاح کردم] «20» پس او در زندگی خوش و پسندیده ای قرار خواهد گرفت «21» در بهشتی برین «22»

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾

در آن روز چهره هایی شادابند «8» از تلاششان راضی و خشنودند «9» در بهشتی برین جای دارند «10»

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾

اما کسی که اعمال وزن شده اش سنگین [و با ارزش] است «6» در زندگی خوش و پسندیده ای است «7»



@fosselat

بهشت محلی که مومنان از آن راضی خواهند بود

هشتم

- { ضمانت پاداش مهاجران و مجاهدان در
دنیا و آخرت از سوی خدا }

* { ضمانت پاداش مهاجران و مجاهدان در دنیا و آخرت از سوی خدا }

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ
 رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لَيَدْخِلْنَهُمْ مُدْخَلَ
 يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾

آنان که در راه خدا هجرت کرده، سپس کشته شده یا مرده اند مسلماً خداوند رزقی نیکویشان می دهد، همانا خدا بهترین روزی دهندگان است «58» بی تردید [خداوند] ایشان به جایگاهی که آن را می پسندند وارد می کند، مسلماً خداوند دانا و بردبار است «59»



@fosselat

خاک حرمت دارد

تو دست کرم داری

(ای ز حال دل زواریت آگاه

السلام ای که تو شمس الشموسی

اقدام از پایا حی و یا هو

(مولارضا جان) ۶

اعجاز میجارا

من دست تپی دارم

فاطمه اشغی لنا عند الله) ۲

السلام ای که اینس النفوسی) ۲

(دستم بگیر ای ضامن اهو) ۲

(من که از جام عشقت مست مسم

اما گرفتی هر لحظه دستم

(مولارضا جان) ۶

خوردم نمک کمدان را شکستم) ۲

(از روی ماهت شرمنده هتم) ۲

(ای همه صاحب فیض و کرامت

ای برده میراث از شاه مردان

(مولارضا جان) ۶

خود جوابم بده جان جوادت) ۲

(از ما کدایان روی بر مگردان) ۲

نیایش امام سجّاد (ع) در رضا به قضای الهی چون به دنیا داران می نگرست

*

اللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ، هَذَا مَقَامٌ مِنْ تَدَاوُلَتِهِ أَيْدِي الذَّنُوبِ، وَقَادَتِهِ أَرْمَةُ الْخَطَايَا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا، وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَفَرُّيرًا، كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لِي بَصَرُ الْهُدَى، وَتَشَقَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَى، أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبِّي، فَرَأَى كَبِيرَ عَصِيَانَتِهِ كَبِيرًا وَجَلِيلَ مَخَالَفَتِهِ جَلِيلًا، فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤْمَلًا لَكَ مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ، وَوَجْهَ رَغْبَتِهِ إِلَيْكَ ثَقَةً بِكَ، فَأَمَّاكَ بِطَمَعِهِ يَقِينًا، وَقَصْدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا، قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ، وَأَفْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ، فَمَثَلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا، وَغَمَضُ بَصَرِهِ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا، وَطَلَطُ رَأْسِهِ لِعَزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا، وَأَبْتُكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَدُ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا، وَاسْتَفْثَاثُ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ أَنْبَرْتَ لِدَايَتِهَا فَذَهَبْتَ، وَأَقَامْتَ تَبَعَاتِهَا فَلَزِمْتَ، لَا يَنْكُرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَعْظَمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحْمَتَهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَاهُ غَفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ فَمَا أَنَا إِذَا قَدْ جَنَنْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدَّعَاءِ مُتَنَجِّرًا وَعَدَدَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَالْقِنَى بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتُكَ بِإِقْرَارِي، وَارْفَعْنِي عَنِ مَصَارِعِ الذَّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي، وَاسْتَرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي، اللَّهُمَّ وَثِّبْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي، وَأَحْكَمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي، وَوَقِّنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ نَسَسَ الْخَطَايَا عَنِّي، وَتُوفِنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَرَبِّكَ، وَتُؤَيِّدُنِي بِمَحَبَّتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامَ إِذَا تَوَقَّيْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَائِرِ ذُنُوبِي وَسُغَائِرِهَا، وَبِوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرِهَا، وَسَوَالِفِ زَلَاتِي وَحَوَائِدِهَا، تُوْبُهُ مِنْ لَا يَحْدُثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَلَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَتِهِ، وَقَدْ قَلَّتْ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَغْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَتُحِبُّ التَّوَابِينَ، فَأَقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ، وَارْفَعْ عَنِّي سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمَنْتَ، وَوَجِّبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ، وَلِكِ يَا رَبِّ شَرْطِي الْأَعْوَدُ فِي مَكْرَهَتِكَ، وَضَمَانِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ، وَعَهْدِي أَنْ أَهْجِرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمَلْتُ فَأَغْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَاصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ، اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبَعَاتٍ قَدْ حَفِظْتَهُنَّ، وَتَبَعَاتٍ قَدْ نَسِيْتَهُنَّ، وَكُلَّهِنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَعِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى، فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَاحْطَطْ عَنِّي وَرِزْهَا، وَخَفِّ عَنِّي ثِقَلَهَا، وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا، اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، وَلَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنِ قُوَّتِكَ، فَقُوْنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ، وَتَوْلْنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ، اللَّهُمَّ إِنَّمَا عَبْدٌ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخِ لِتَوْبَتِهِ، وَعَائِدُ فِي ذَنْبِهِ وَخَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تُوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تُوْبَةٍ، تُوْبَةٍ مُوجِبَةٍ لِمَخْوٍ مَا سَلَفَ، وَالسَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَزُّ بِكَ مِنْ جَهْلِي، وَأَسْتَوْهَبُكَ سُوءَ فِعْلِي، فَأُضْمَمُنِي إِلَى كَنَفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلًا، وَاسْتَرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلًا، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنِ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَلَحْظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي، تُوْبُهُ تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَتَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنَ الْبِيمِ سَطْوَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَخَدِّنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَوَجِّبْ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَاضْطَرِّبْ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْخَزْيِ بِفَنَائِكَ، فَإِنْ سَكَتَ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ، وَإِنْ شَفَعْتَ فَلَسْتَ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَعُدْ عَلَيَّ سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ، وَلَا تُجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عِقَابِكَ، وَانْسَطْ عَلَيَّ طَوْلِكَ، وَجَلِّسْنِي بِسِتْرِكَ، وَافْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرِحِمَهُ، أَوْ غَنِيٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ، اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيُخَفِّرْنِي عِزُّكَ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفِعْ لِي فَضْلُكَ، وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فليُؤَمِّنِي عَفْوُكَ، فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِي بِسُوءِ أُرْيِي، وَلَا نَسِيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي، لَكِنْ لِيَسْمَعْ سَمَاوُكَ وَمِنْ فِيهَا وَأَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتَ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ، فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تَدْرِكُهُ الرِّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دَعَائِي، أَوْ شَفَاعَةِ أَوْلَادِكَ أَوْ كَدِّ عِنْدِكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَفُورَتِي بِرِضَاكَ، اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تُوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أُنَدِمُ النَّادِمِينَ، وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنْابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُتَنَبِّئِينَ، وَإِنْ يَكُنِ الْاسْتِغْفَارُ حَطَّةً لِلذَّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ، وَضَمَنْتَ الْقَبُولَ، وَحَثَّيْتَ عَلَى الدَّعَاءِ، وَعَدَدْتَ الْإِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَبِيئَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُتَنَبِّئِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، صَلَاةَ تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ الْفَاةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.